

از منابع آلمانی
برگردان : سلیمان افتخار
۰۶/۱۱/۲۰۱۳

سوریه در پیشگاه ژنیو-۲- خون آلود و فروپاشیده



به جوانان و رزمنده گانی که اکنون سرمایه سالاری و پلانهای شوم شانرا در قبال کشور های سرشار ونیمه سرشار از منابع طبیعی می دانند. دروغپراگنی های سرمایه سالاران را در هر تجاوز شنیده وعدم صداقت آنها خوب تشخیص داده اند. اگر نمونه سوریه به اضافه عراق وسائر کشور های مورد تهاجم و اشغالگری ناتو- امریکا در مورد کشور ما تا کنون کاملاً مترادف نیست ولی نزدیکی زیادی به همدیگر واندیشه پردازان آن دارد. اگر در برابر سوریه اکنون اسرائیل و ترکیه وارد میدان شده اند، باید بدانیم که پاکستان وایران نیز از همین قماش هستند. ولی همانطوریکه جوامع بشری به نیروی جوان اتکا دارد جوانان ترقیخواه افغان نیز بدون شک اتکای بی خدشه آینده افغانستان عزیز هستند. (برگردان)

همپا با آنکه چند روز پیش عقیمگذاری و تخریب تأسیسات تولیدی مواد کیمیایی حربی در سوریه مطابق پلان انجام پذیرفت چنان به نظر میرسد که "کنفرانس صلح" سوریه مؤرخ ۲۳ و ۲۴ نوامبر چون سرابی منفعل گردد. حکومت ایالات متحده سعی میورزد پیوندی را گره زند که

"شورشیان" اپوزیسیون سوریه را از طریق فشار- توقف کمک های نظامی و کنار آمدن آنان- با این هدف که حکومت جدید سوریه بدون موجودیت رئیس جمهور کنونی بشارالاسد ساخته شود و برای شرکت در کنفرانس ژنیو-۲ اعزام گردد.

درین میان امکانات ایالات متحده آمریکا بعد از رد تقاضای شورشیان غرض بمباردمان سوریه بوسیله اوباما رئیس جمهور ایالات متحده محدود است زیرا بخش های بزرگی از اپوزیسیون مسلح سوریه منافع و کارفرمایان دیگری دارند. علاوه برین دشمنان مردم سوریه هم اکنون در برابر قدرت دولتی سوریه متحمل شکست های بیشتر میشوند. در ولایت حلب اردوی عربی سوریه شب جمعه مؤرخ اول نوامبر بعد از چندین روز نبرد شهر السفیره را تحت کنترل خود درآورد. همچنان در منطقه سینا در جنوب دمشق بایست قطعات حکومتی حملات شورشیان را به عقب زده باشند. و بخاطر عدم موجودیت همسویی گروپهای خودی در "شورای انقلابی نظامی" حلب رهبر بخش نظامی آنان الاکیدی دو روز پیش در یک صحبت ویدیویی استعفایش را اعلام داشت. او در ماه می ۲۰۱۲ از خدمت در اردوی عربی سوریه تمرد جست و رهبری نظامی 'شورشیان' را در تسخیر نواحی بزرگ حلب عهده دار بود.

گزارشدهی رسانه های جمعی در رابطه با جنگ سوریه فقط متوجه چنین عملکرد های روبنایی دیپلماتیک، نظامی و انسانی بوده است. رسانه ها تغییرات ژرف کشور را اصلاً کنار گذاشته اند. ولی در هر حال میشود ازین اوقیانوس جان بدر آورد و اما از خشونت بدون آنکه در خود تغییرات عمیقی را بمیان آورد نمیتوان زنده بدر آمد. تیری میسان از شبکه ولترنت انکشافات یاد شده دمشق را تعریف و تفسیر مینماید زیرا وی از دو سال بدینسو در آنجا بسر میبرد: در جریان بازدیدش از دمشق [پیش از ۴ روز] نماینده خاص منشی عمومی لیگ عرب و سرمنشی ملل متحد لخدر براهیمی پروژه "خودی" اش را یعنی کنفرانس صلح ژنیو-۲ را معرفی داشت. کنفرانسی که هدف از آن گذاشتن نقطه پایان به "جنگ داخلی" میباشد. این اصطلاح باز هم تحلیل یکجانب درگیر را در برابر جانب دومی مشخص میگرداند یعنی آن جانبی که ادعا میکند این معضله گسترش منطقی "بهاران عرب" است در برابر آنانیکه مدعی اند این معضله با تطمیع افکار مردم از بیرون سازماندهی و تشویق گردیده است.

از دیدگاه غرب و بخش بزرگی از ائتلاف ملی، سوریه انقلابی را از سر میگذرانند. مردم سوریه در مقابل یک دیکتاتوری بپا خاسته اند و بیصبرانه انتظار آنرا دارند که در آغوش دموکراسی همانند ایالات متحده زنده گی کنند. ولی این دیدگاه بوسیله شورای همکاری خلیج [جی سی سی] شورای ملی سوریه واردوی آزاد سوریه [اف اس ای] مردود دانسته میشود. برای آنان

پرابلم روی آزادی نه بلکه روی شخصیت بشارالاسد میچرخد. آنان به تداوم نهاد های موجود سوریه موافقت خواهند کرد هرگاهی رئیس جمهور متقاعد گردد تا پست اش را در اختیار یکی از معاونان رئیس کمیسیون بگذارد.

و اما این دیدگاه از جانب آنانیکه در برابر شورشیان در قطعات پیاده انجام وظیفه میدهند مردود است زیرا برای آنان پرابلم، شخصیت رئیس جمهور نیست بلکه انعطاف پذیری که وی پیشه نموده است میباشد. هدف شورشیان آنست تا رژیم دارای تبعیت وهابی را ایجاد نمایند که در نتیجه بر اقلیت های مذهبی غالب شده و یا در فروپاشی آنان سهیم گردند و سرانجام قانون اساسی را با شریعه تعویض نمایند.

در آغاز زمانیکه نشانزن های ماهر به کشتار مردم پرداختند گفته میشد که آنان نشانزن های ماهر رژیم هستند که خواست شان گسترش ترس در میان مردم است. هنگامی که وسایل نقلیه انفجار داده میشدند گفته شد که این امر [سؤ قصد زیر پرچم اشتباهی] همانا نحوه کار خدمات جاسوسی است. زمانیکه در یک سؤ قصد بزرگ اعضای شورای امنیت سوریه جان شان را از دست دادند بشارالاسد در جایگاه مجرم قرار داده شد که میخواهد دگر اندیشان را از بین ببرد. امروز هیچکسی در زمینه شکی ندارد: این همه جنایات کارکرد های جهادست ها بوده و هیچگاهی به پایان نخواهد رسید و ادامه آن مشهود است.

در آغاز قانون اضطرار حکمفرما و از سال ۱۹۶۳ بدینسو تظاهرات ممنوع بود. ژورنالیست های خارجی به ندرت اجازه دخول بدست میآوردند و فعالیت های شان دقیقاً کنترل میشد. امروز قانون اضطرار وجود ندارد. از کمیت تظاهرات بخاطر آن کاسته شده که خطر حملات تروریستی میرود. بسیاری از ژورنالیست های خارجی در دمشق حضور دارند و میتوانند آزادانه و بدون گروه نظارت گشت و گذار کنند. اکثریت آنان هنوز هم میگویند که کشور در چنگ یک دیکتاتوری خشن قرار دارد. کوشش میکنند مردم را به آرامش دعوت نمایند به امید آنکه از دروغگویی خسته شوند و در دستور روز حکومت های شان "سقوط رژیم" موعظه نگرند.

در آغاز سوریایی ها شبکه تلویزیون ملی را نمی دیدند. آنرا تبلیغاتی می پنداشتند و شبکه الجزیره را علویت میدادند. بدین ترتیب آنان طور زنده قهرمانی های "انقلابی نماها" و جنایات "دیکتاتور" را تعقیب میکردند. ولی با گذشت زمان خود شاهد کارنامه های ننگین انقلابی نماها (شورشیان) و نجات شان بوسیله اردوی ملی (اردوی حکومتی) بودند. امروز بیشترین ها تلویزیون ملی را که دلچسپ تر شده و یک شبکه عراقی- لبنانی بنام المیعادین که در تمام

دنیای عرب بیننده گان الجزیره را بطرف خود کشیده و دورنما های باز ملیت پروری را وسیله میشود رجحان میدهند.

در آغاز اپوزیسیون مسلح خود شان را پیروان ادیان مختلفه معرفی میکردند. مردم متعلق به اقلیت های مذهبی از آنان پشتیبانی میکردند. بعداً محاکم اسلامی آمدند که سنی های "نامطلوب" را "خائن" پنداشته و فرقه شان را محکوم به مرگ کردند و آنها را سر بریدند و علوی ها و شیعیان را در محضر عام شکنجه کردند و بالاخره عیسویان را از خانه های شان آواره ساختند. امروز هر یک میداند که آنانی که از جانب تکفیر شده های "ناب" محکوم شده باشند برای همیشه مضمون اند.

در حالیکه روشنفکران ادعاً میدارند که سوریه تخریب شده و بایست آنها احیای مجدد کرد ولی مردم میدانند که واقعیت سوریه چیست و اکثراً آماده اند برای میهن شان قربانی دهند. ده سال پیش هر فامیل یک پسر داشت که برای نجات آن از خدمت سربازی از همه امکانات استفاده میکردند. فقط برای تهیدستان از طریق خدمت زیر بیرق امکان پیشروی میسر بود. امروز تعداد زیادی از جوانان شامل اردو میشوند و کهنسالان به نیرو های ملیشه می گرایند. همه باهم سوریه جاودان را دفاع میکنند و آنها در ساختاری که اعضای آن دارای ادیان و مذاهب مختلفه بوده و خدای همگون دارند اگر به خدا اعتقاد داشته باشند.

در لابلای معضله حاضر بسیاری از سوریایی ها رشد خوبی نمودند. نخست اکثریت آنان حوادث را از دور نظاره میکردند و ادعاً داشتند که متعلق به هیچ جناحی نیستند. بعد از دو نیم سال رنج وحشتناک آنانیکه ترک کشور نکرده بودند مجبور بودند تصمیم بگیرند که در کشور زنده گی کنند. اکنون جنگ فقط تلاش نیروهای استعماری است تا آتش کهنه پرستی را شعله ور سازند و تمدن را در آن بسوزانند.

برای من کسیکه سوریه را از ده سال بدینسو میشناسد و از دو سال بدینسو در دمشق زنده گی میکند چنین بنظر میرسد که این کشور تغییر بزرگی را گواه است. ده سال پیش هر کسی که پرابلمی با استخبارات داشت محتاطانه به گوش یکدیگر میگفتند زیرا آنان در همه جا مداخله میکردند. درین کشور که ارتفاعات جولان آن بوسیله اسرائیل اشغال شده است استخبارات در واقعیت امر جایگاه خارق العاده داشت ولی همین استخبارات نه مشاهده کرده و نه آگاهی از آماده گی ها برای جنگ، تونل های حفر شده و سلاح قاچاق شده داشته است. امروز تعداد زیادی از افسران فاسد به خارج از کشور فرار کرده اند و مأموریت استخبارات اکنون به حراست کشور متمرکز گردیده است: فقط جهادپست ها ازین وضع راضی نیستند.

پیش از ده سال حزب بعث رهبر مسجل مردم در قانون اساسی سوریه بود. فقط برای این حزب مجاز بود تا کاندید ها را به انتخابات گسیل دارد با وجودیکه خود یک حزب مسلط توده یی نبود. سرانجام رفته رفته دولت از توده ها تجرید شد. امروز دشوار است تا احزاب سیاسی را که یکی پس از دیگری بنیانگذاری میشوند دقیقاً تعقیب کرد. هر کدام میتواند در انتخابات شرکت کند و برنده شود. فقط اپوزیسیون "دموکراتیک" در پاریس و استانبول تصمیم گرفت تا انتخابات را تحریم کند بجای آنکه پیروزی را بدست آورده نتواند.

ده سال پیش هیچ کسی در قهوه خانه ها نه بلکه در خانه های شان با افرادی که شناخت داشتند در باره سیاست صحبت میکردند. امروز هر کسی در باره سیاست در همه جا هاییکه بوسیله حکومت کنترل میشود سخن میگوید ولی نه در آن مناطقی که تحت کنترل اپوزیسیون مسلح است.

جنگ اصلاً یک معضله طبقاتی نیز است. پولدارانی که ثروتهای زیادی را در خارج کشور جابجا کرده اند زمانیکه دمشق مورد حمله قرار گرفت ترک وطن کردند. آنان عشق به وطن داشتند ولی زنده گی و مالکیت شان را بیشتر از آن مواظبت کردند. بورژوازی خود را مصئون احساس نمیکرد. آنان مجبور به پرداخت "مالیه انقلابی" در صورت ضرورت به شورشیان میشدند و ادعای شورشیان این بود که آنان با تماس با اردوی [سوریه] روابط با دولت دارند. آنان با دلهره گی منتظر استعفای رئیس جمهور بشارالاسد بودند که شبکه الجزیره آنرا اعلام داشته بود. آنان زمانی از پوسته های ترس برون آمدند که ایالات متحده مجبور به کناره گیری از بمباردمان سوریه شد. امروز آنان فقط به این امر فکر میکنند تا همه چیز را حسن صورت دهند و فامیل های بازمانده شهدا را یاری رسانند.

مردم نادار سوریه میدانستند که مطلب روی چه میچرخد. بودند افرادی که در جنگ وسیله یی را برای انتقامجویی اقتصادی برگزیدند و بودند کسانی که با وجدان پاک در دفاع از مصئونیت خدمات عامه رایگان برآمدند.

ایالات متحده و اسرائیل، فرانسه و بریتانیا، ترکیه، قطر و عربستان سعودی که این جنگ مرموز را تمویل نموده و آنرا باختند منتظر چنین نتایجی نبودند: بخاطر زنده ماندن سوریه باید از همه امکانات استفاده کرد تا آزادی اش را دوباره بدست آورد.

اگر کنفرانس ژنیو-۲ تدویر هم گردد تصمیمگیری بدست قدرتهای بزرگ نمیتواند باشد. نصب حکومت جدید بعدی نتیجه قرار های دیپلماتیک نخواهد بود. یگانه امکان این کنفرانس آن خواهد بود تا راه حلی را پیشنهاد کند که تعمیل آن فقط بعد از همه پرسی در سوریه پایه

قانونی داشته باشد. این جنگ در سوریه رو به انتزاع می‌رود ولی شاهد ویرانی نیمی از شهرها و زیرساخت‌ها میباشد و توانست آزمندی و خیالپردازی قدرتهای غربی و کشورهای خلیج را تبارز دهد. هرگاهی کدام ره آورد مثبتی را ژنیو-۲ به ارمغان آورد همانا تمویل بازسازی سوریه از جانب آنانی خواهد بود که کشور را به این بدبختی رهنمون شده اند.